

فرایند خصوصی سازی آموزش می‌تواند متفاوت باشد ولی به هر شکل و صورتی که خصوصی سازی انجام بگیرد، «منافع» احتمالی آن ناروشن و غیر مطمئن ولی معایب و مضراتش روشن و مشخص‌اند

احمد سیف



احمد سیف
استاد اقتصاد دانشگاه «ریچنت» در لندن

اجازه بدهید از یک «اصل» ابتدائی اقتصاد سرمایه داری آغاز بکنم که یک بنگاه خصوصی مسئولیت قانونی دارد که به سهامداران خود به ازای سرمایه‌ای که گذاشته‌اند سود بدهد در نتیجه هر چه که ادعای مدافعان خصوصی سازی آموزش باشد ارجحیت یک بنگاه خصوصی در این بخش این است که سود خود را بیشینه نماید.

در عمل برای اینکه این کار صورت بگیرد مدیران ناچارند تا از هزینه هائی که موجب افزایش سود نمی‌شود بکاهند. در عرصه آموزش، هزینه پژوهش تاثیر آئی بر میزان سود ندارد و بعید نیست در یک نظام آموزشی خصوصی شده کاهش یابد و در نتیجه کیفیت آموزش لطمه خواهد خورد.

از سوی دیگر، بنگاههای خصوصی باید در حفظ «اسرار تجاری» خود کوشا باشند. در نتیجه در عمل کسانی که از این خدمات خصوصی شده - در اینجا آموزش- استفاده می‌نمایند با اطلاعات کمتری باید تصمیم گیری نمایند. این اطلاعات در اختیار آنها قرار نمی‌گیرد.

به همان دلیل پیش گفته، هزینه‌ای که باید از سوی استفاده کنندگان از این خدمات پرداخت شود افزایش می‌یابد چون یک بنگاه خصوصی باید برای بیشینه کردن سود خود بکوشد.

البته توجه دارید که حقوق پرداختی به مدیران بنگاههای خصوصی شده از آنچه در بخش دولتی دریافت می‌کنند به مراتب بیشتر است و این حقوق‌ها و درآمدهای بیشتر هم باید از سوی استفاده کنندگان تامین شود

در یک نظام آموزش دولتی، وقتی مشکل و گرفتاری پیش می‌آید اینکه به کجا باید شکایت برد روشن است- البته ممکن است در عمل نهاد دولت کارآمد نباشد که آن مقوله دیگری است- ولی در این تردیدی وجود ندارد که مسئولان مشخص و معلوم‌اند و براساس قوانین جاری موظف به پاسخگوئی هستند.

چنین مسئولیتی در پیوند با بنگاههای خصوصی وجود ندارد. قرار است مبادلات در یک آموزش خصوصی شده به صورت دلخواهی و انتخابی صورت گرفته باشد- در واقع آنچه که با میالغه «ادب کردن» تولید کنندگان از سوی بازار نام گرفته است.

یعنی شمای خریدار تولیدات عرضه کننده الف را دوست ندارید، مسئله‌ای نیست از عرضه کننده ب خرید خواهید کرد و عرضه

کننده اولی یا کیفیت محصولش را بهبود می‌بخشد یا ورشکست می‌شود. ولی چرا چنین وضعیتی در باره مدارس وجود ندارد.

بر خلاف وعده هائی که می‌دهند آموزش مثل بسیاری از حوزه‌های عمومی نماد آنچه است که به آن انحصار طبیعی گفته می‌شود. یعنی این گونه نیست که در یک محل مشخص زندگی تعداد زیادی مدرسه وجود داشته باشد که والدین بتوانند از «خصلت» ادب کنندگی بازار استفاده نمایند.

اگر مدرسه بعدی ده کیلومتر آن طرف‌تر باشد، بدیهی است که برای شمای والدین بود و نبودش تاثیر چندانی ندارد چون در آن صورت چگونه باید فرزند خردسال خود را هر روزه ده کیلومتر آن طرف‌تر به مدرسه «بهرتر» برسانید تا از مزایای آن مدرسه بهتر بهره‌مند شود.

البته که فرایند خصوصی سازی آموزش می‌تواند متفاوت باشد ولی به هر شکل و صورتی که خصوصی سازی انجام بگیرد، «منافع» احتمالی آن ناروشن و غیر مطمئن ولی معایب و مضراتش روشن و مشخص‌اند.

در شرایطی که دولت ارایه این خدمات را به مزایده می‌گذارد، اگر دولت بخواهد هم چنان برارایه این خدمات نظارت تعیین کننده داشته باشد که نقض غرض می‌شود و در آن صورت دلیل واگذاری ناروشن است و اگر هم نظارت نکند که بخش خصوصی ساز خود را خواهد زد.

یادداشت اختصاصی «تأمین ۲۴»